

در جامعه ایران، ریاست جمهور صرفاً نماینده حداکثر افرادی که به او رأی داده‌اند، نیست بلکه نماینده ساختار یا نظم سیاسی است که افراد در آن زیست می‌کنند. از این منظر، مهم‌ترین مولفه نمایندگی جمهور، مفهوم «نظم» است. ریاست جمهور، نماینده یک نظم سیاسی است.

که دستور کار مشخصی دارد. کارگزار از طریق نماینده قید می‌خورد و تعیین می‌یابد. «برای مثال، نماینده یک کشور در سازمان ملل، کارگزاری حکومتی است که مطابق دستورها عمل می‌کند درحالی‌که دولتی که او را به آن مسئولیت گماشته، نماینده جامعه سیاسی مربوطه است» (همان). در مثالی دیگر و رایج در جامعه ایران، ریاست جمهور مطابق این فهم از نمایندگی، صرفاً نماینده حداکثر افرادی که به او رأی داده‌اند، اعم از اصلاح طلب یا اصول گرا، نیست بلکه نماینده ساختار یا نظم سیاسی است که افراد در آن زیست می‌کنند. از این منظر، مهم‌ترین مولفه نمایندگی جمهور، مفهوم «نظم» است. ریاست جمهور، نماینده یک نظم سیاسی است.

۳. مفهوم نظم ناظر به مفهوم عدالت است. عدالت در عام‌ترین تعریف خود، ناظر به «قرار گرفتن هر امری در موضع خود» است. بی‌عدالتی وضعیت بی‌نظمی است و هرگاه امری از مدار خود خارج شود، عدالت نقض می‌گردد؛ بنابراین نمایندگی جمهور، اگر ناظر به نمایندگی نظم است، ناگزیر باید به عدالت نظر داشته باشد. عدالت با تعریف نظم، سنججه‌ای برای ارزیابی نمایندگی جمهور مهیا می‌سازد. آن رئیس جمهوری حقیقتاً نماینده جمهور است که نماینده نظم جمهوری باشد. «اگر نماینده‌ای به وظیفه وجودی خود عمل نکند [و نماینده نظم سیاسی نباشد]، قانونی بودن جایگاه آن نخواهد توانست او را نجات دهد؛ هنگامی که اقلیتی نوآور، به اقلیت مسلط بر جامعه بدل شده باز در معرض این خطر است که جای خود را به اقلیت نوآور جدیدی واگذار کند» (همان، ۸۲). از این منظر، عدالت به مثابه مهم‌ترین مولفه نظم سیاسی، سنججه‌ای معقول برای ارزیابی ریاست و نمایندگی جمهور مردم است. مشروعیت ریاست جمهور، هرچند در مقام اخذ رأی وابسته به اخذ رأی اکثریت مردم است؛ اما اگر حمایت یک جانبه او از رأی دهندگان به او، به نقض عدالت و نظم منجر شود، مشروعیتش هم دچار خلل می‌گردد و از ریاست جمهوری ساقط می‌گردد. عامل بقای ریاست یا نماینده جمهور، حفظ نظم و عدالت است. اگر نماینده جمهور، عدالت را زیر پا بگذارد و نظم جمهوری را حتی به بهانه حمایت از حداکثر مردمی که به او رأی داده‌اند، نقض کند، دیگر رئیس و نماینده جمهور نیست.

بسترهای تاریخی جامعه ایرانی و جمهوریت و عدالت

۱. ما در دوره معاصر، بعد از تجربه بیش از ده قرن اندیشه سیاسی مبتنی بر سلطنت، بعد از انقلاب اسلامی و در عصر غیبت کبری، در ایران شاهد ظهور الگوی جدیدی از حکومت به نام جمهوری اسلامی هستیم که در آن، دولت، در معنای خاص، ریاست این جمهوری را بر عهده دارد. از سوی دیگر، شرط مهم علما و فقهای دینی در عصر غیبت کبری برای همکاری با سلاطین جائر در ایران، تحقق